



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



نوشتار چند حقوقدان آمریکایی در قالب ۲۰ پرسش و پاسخ در زمینه ابعاد حقوقی بین المللی هدف گیری جنگی با تطبیق بر جنگ علیه ایران

(از مجموعه آثار حقوقی بین المللی مربوط به تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران منتشره در سطح جهانی)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قراردادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. لفاظی‌های وحشیانه و غیر انسانی خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دوپهلوی و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً

بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

مقاله حاضر را سه حقوقدان آمریکایی که سوابق علمی و کاربردی متعدد دارند و هر یک در حوزه خود جزو شناخته شده های جهانی محسوب میشوند، به رشته تحریر درآورده اند. آنها سعی کرده اند در قالب ۲۰ پرسش و پاسخ، مهم ترین ابعاد حقوقی بین المللی مقوله هدف گیری را از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه و هم چنین موازین نظام حقوقی خود آمریکا به ویژه کتابچه های راهنمای منتشره توسط وزارت جنگ آمریکا مورد بحث و تشریح قرار دهند. نویسندگان قبل از شروع تجاوز به ایران (در ماه فوریه ۲۰۲۶) نیز در قالب یک پرسش و پاسخ، فروض مختلفی که در آن زمان دولت ترامپ مطرح می کرد و بر اساس آنها تهدید به حمله مسلحانه علیه ایران می نمود را مورد بحث قرار دادند و تاکید کردند که اگر اقدام به حمله علیه ایران صورت گیرد، قطعاً تجاوز و بر خلاف حقوق بین الملل خواهد بود. متن مزبور نیز در امور پژوهشی کمیسیون ترجمه و منتشر شده که علاقمندان می توانند به گزارشات اسفند ۱۴۰۴ کمیسیون مراجعه کنند.

در یک نگاه کلی به محتوای توضیحاتی که در قالب پاسخ به ۲۰ پرسش مربوط به مباحث مختلف هدف گیری و حقوق مخاصمات مسلحانه در نوشتار حاضر مطرح شده است، سه نکته برجسته مشهود است:

اول اینکه برخی موارد که در تشریح این حقوقدانان به عنوان معیارهای مندرج در متون قانونی آمریکا معرفی شده و علی القاعده بر اساس نظام حقوقی آمریکا لازم الاجرا بوده اند، اتفاقاً علیه خود دولت آمریکا قابل استناد هستند چرا که مصادیق متعددی در خلال جنگ وجود دارد که اتفاقاً دولت ترامپ مدعی برخلاف قواعد رسمی کشور خود است بر همین اساس، طرف ایرانی می تواند به قواعد خود آمریکایی ها استناد کرده و یادآور شود که این حق و حقوق را خودتان در قواعد داخلی کشورتان پذیرفته اید پس چرا اکنون بر خلاف آنها مطالبه ای دارید و اقدام بر حق ایران را نمی پذیرید.

دوم اینکه برخی رویکردهای حقوقی که در متون داخلی نیروهای مسلح آمریکا پذیرفته شده و در واقع نظریه مورد قبول نظام حقوقی آمریکا معرفی میشوند، با موازین بین المللی هم خوانی ندارند و نوعی انحراف از موازین بین المللی هستند که طبیعتاً نه تنها از سوی دولت آمریکا در ارتکاب جنایات علیه ایران قابل استناد نیستند بلکه خود موجب مسئولیت بین المللی دولت آمریکا می شوند که چرا قواعدی بر خلاف موازین بین المللی مخاصمات را ملاک عمل قرار داده اند.

سوم اینکه موارد متعددی در توضیحات حقوقدانان این گزارش وجود دارد که هم در موازین بین المللی تکلیف موضوع روشن است و هم در قواعد حقوق داخلی آمریکا ولی دولت آمریکا در تجاوز علیه ایران بدانه پایبندی نشان

نداده و براحتی آنها را نقض کرده است گوئی همه این قواعد و موازین صرفاً روی کاغذ درج شده و برای جنایتکاران اعتباری نداشته است چنانچه پیت هگست ابتدای جنگ اعلام کرد که ما خود را با این قواعد احمقانه درگیرهای مسلحانه محدود نخواهیم کرد بلکه رویکردی با نهایت گُشندگی و بیرحمی را در پیش خواهیم گرفت. در جزئیات این نوشتار، مطالب تخصصی متعددی وجود دارد که اگر قرار باشد بدانها اشاره شود بحث مفصلی را در پی خواهد داشت فلذا بدون ورود به این موارد، امید است خود مخاطبان محترم به ویژه اهل فن با دقت موارد مزبور اعم از مثبت یا منفی را مورد توجه قرار دهند.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده یا نویسندگان، دیدگاههای شخصی خود آنهاست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تائید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان و سیاستگذاران و نیروهای مسلح کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحریک عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. ضمناً ارجاعات نویسندگان نیز عیناً در زیر نویس حفظ گردید. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، در درجه اول خودباوری و حقانیت جامعه ایران در مقام قربانی تجاوز را تقویت کند و از یاد نبریم که جنایتکاران فاقد شرف و وجدان انسانی به حریم کشور ما تعرض کرده و خانه و کاشانه ما را مورد صدمات زیادی قرار داده و عزیزان متعددی را از ما گرفته اند یا دچار مصدومیت ساخته اند، ثانیاً موجبات گسترش حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسندگان: مایکل اشمیت استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه ریدینگ / خانم تس بریجمن سردبیر مشترک مجله دیجیتالی امنیت عادلانه در آمریکا و دارای سوابق فعالیت در مراکز حاکمیتی آمریکا / رایان گودمن از جمله بنیانگذاران و سردبیران مجله دیجیتالی امنیت عادلانه و استاد حقوق و مدیر مشترک مرکز حقوق و امنیت ریس در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک

♦ ترجمه انگلیسی به فارسی و توضیحات اضافی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ: مجله حقوقی دیجیتالی امنیت عادلانه / جاست سکیوریتی (justsecurity.org)، ۲۷ مارس ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۲۱

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب‌نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش‌ها استقبال می‌کند. مشارکت در فعالیت‌های عام‌المفنه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

عکس روی جلد گزارش: نمایی از عکس ویرانی یک ساختمان مسکونی و عزیزی که در اثر جنایات آمریکا و اسرائیل مظلومانه پرپر شدند.

پرسش و پاسخ تخصصی: مقدمه‌ای بر مقوله هدف‌گیری در جنگ با ایران

نوشته‌ی مایکل اسمیت استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه ریدینگ، محقق برجسته در مرکز حقوق و امنیت ریس دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک، وابسته به برنامه حقوق بین‌الملل و درگیری‌های مسلحانه دانشکده حقوق هاروارد، و استاد مهمان در موسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه و سردبیر کل مجموعه مطالعات لیبر/

خانم تس بریجمن^۲ سردبیر مشترک مجله امنیت عادلانه، دارای سوابقی چون دستیار ویژه رئیس جمهور، مشاور وابسته رئیس جمهور و معاون مشاور حقوقی شورای امنیت ملی در دوران دولت اوباما و فعالیت در وزارت امور خارجه آمریکا /

رایان گودمن^۳ از جمله بنیانگذاران و سردبیران مجله امنیت عادلانه، استاد حقوق و مدیر مشترک مرکز حقوق و امنیت ریس در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک، دارای سوابقی چون مشاوره در وزارت دفاع آمریکا (۲۰۱۶-۲۰۱۵) تدریس علوم سیاسی و جامعه شناسی در دانشگاه نیویورک، تدریس حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در دانشکده حقوق هاروارد

(منتشر شده در بیست و هفتم مارس ۲۰۲۶ برابر با هفتم فروردین ۱۴۰۵ شمسی)

بمباران‌های مداوم ایران توسط ایالات متحده و اسرائیل،^۴ و واکنش ایران نه تنها علیه این دولت‌ها بلکه علیه سایر دولت‌های منطقه، پرسش‌های متعددی را در خصوص نحوه حاکمیت «حقوق مخاصمات مسلحانه»^۵ بر این درگیری‌ها ایجاد کرده است. در این مجموعه پرسش و پاسخ، ما قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه را که بر بسیاری از این حملات بحث‌برانگیز - چه به دلیل ماهیت اهداف (افراد یا اشیاء)، چه شیوه انجام حمله و چه پیامدهای آن - اعمال می‌شوند، تشریح می‌کنیم. بحث را با تبیین این نکته آغاز می‌کنیم که یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی در جریان است و حقوق مخاصمات مسلحانه بر آن حاکمیت دارد. سپس به موضوعاتی همچون هدف قرار دادن افراد و اشیاء (از جمله در دریا)، استفاده از تسلیحات خاص که کاربردشان بحث‌برانگیز است، و همچنین فرآیندها و محدودیت‌های هدف‌گیری

^۱. Michael Schmitt

^۲. Tess Bridgeman

^۳. Ryan Goodman

^۴. اینکه نویسندگان در همین اولین سطور نوشتار خود و در ادامه در خلال مباحث آتی تصریح کرده اند که آمریکا و اسرائیل به ایران تجاوز و این کشور را بمباران کرده و ایران در واکنش اقدام کرده است، امری در خور توجه است چرا که بعضی از عناصر دخیل در تجاوز یا همراه با آنها سعی می‌کنند که خود را از وضعیت متجاوز به مدافع تبدیل کنند که تحریفی عجیب و تکان دهنده است. (توضیح افزوده بر متن)

^۵. Law of Armed Conflicts (LOAC)

- از جمله اصل تناسب و تعهد به اتخاذ تدابیر احتیاطی برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان در جریان حمله - می‌پردازیم.

در ابتدا، تأکید بر این پیش‌فرض بنیادین که در تمامی پاسخ‌ها جاری است، ضروری است: حقوق مخاصمات مسلحانه بر پایه اصل «اعمال برابر»^۱ استوار است. بدین معنا که مجموعه قواعد یکسانی تمامی طرف‌های درگیری را ملزم می‌سازد، فارغ از اینکه کدام‌یک از طرفین حق قانونی توسل به نیروی نظامی را داشته است. بنابراین، چه ایالات متحده و اسرائیل - آن‌گونه که ادعا می‌کنند - در چارچوب دفاع مشروع قانونی عمل کرده باشند و چه - آن‌گونه که ما معتقدیم - مرتکب نقض ماده ۲ (بند ۴) منشور سازمان ملل متحد شده باشند، این مسئله کاملاً از تعهدات طرفین ذیل حقوق مخاصمات مسلحانه جداست و هیچ تأثیری بر آن تعهدات ندارد.

فهرست سؤالات مطروحه در این مقاله

بخش اول: حقوق حاکم

س ۱. آیا برای اعمال قواعد «حقوق مخاصمات مسلحانه» در خصوص هدف‌گیری، این مسئله اهمیت دارد که دولت ایالات متحده آن وضعیت را «جنگ» بنامد یا خیر؟

س ۲. آیا قواعد یکسانی بر دولت‌هایی که آغازگر جنگ بوده‌اند و دولت‌هایی که به‌طور غیرقانونی مورد حمله قرار گرفته‌اند، اعمال می‌شود؟

س ۳. آیا یک دولت مجاز است در واکنش به نقض قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه توسط دشمن، دست به عملیاتی بزند که خود ناقض آن قواعد در زمینه حملات باشد؟

بخش دوم: هدف‌گیری اشخاص

س ۴. چه کسانی ممکن است در جریان یک مخاصمه مسلحانه هدف حمله قرار گیرند؟

س ۵. آیا غیرنظامیان ممکن است مصونیت خود در برابر هدف قرار گرفتن را از دست بدهند؟

س ۶. آیا رهبران سیاسی ممکن است هدف حمله قرار گیرند؟

^۱. The principle of equal application

س ۷. آیا نهادها و کارکنان مجری قانون^۷ [نیروهای چوون پلیس و امور انتظامی] ممکن است مورد حمله قرار گیرند؟

بخش سوم: هدف گیری اشیاء / اعیان^۸

س ۸. چه اشیایی ممکن است مورد حمله قرار گیرند؟

س ۹. وضعیت حملات به تأسیسات نفتی چگونه است؟

س ۱۰. وضعیت نیروگاه ها و سایر تأسیسات مرتبط با برق چگونه است؟

س ۱۱. وضعیت حملات به تأسیسات آب شیرین کن چگونه است؟

س ۱۲. وضعیت حملات به تأسیسات دارای خطرات ویژه (مانند سایت های هسته ای) یا مناطق مجاور آنها چگونه است؟

بخش چهارم: هدف گیری دریایی (برای مطالعه تحلیل دقیق تر این موضوع، دو منبع در ادامه متن معرفی می شوند)

س ۱۳. چه نوع کشتی هایی ممکن است هدف حمله قرار گیرند؟

س ۱۴. آیا نفتکش های حامل نفت صادراتی را می توان به این دلیل که اهداف نظامی «پشتیبان جنگ»^۹ محسوب می شوند، هدف حمله قرار داد؟

س ۱۵. آیا حرکت در قالب کاروان (اسکورت گروهی)^{۱۰} بر وضعیت هدف گیری کشتی های جنگی یا کشتی های تجاری متعلق به کشورهای بی طرف تأثیر می گذارد؟

بخش پنجم: تسلیحات

س ۱۶. آیا استفاده از مهمات خوشه ای^{۱۱} از جمله در مناطق مسکونی، قانونی است؟

س ۱۷. آیا استفاده از مین های دریایی قانونی است؟

^۷. law enforcement agencies and personnel

^۸. Targeting Objects

^۹. war-sustaining military objectives

^{۱۰}. Sailing in convoy

^{۱۱}. Cluster munitions

بخش ششم: فرآیندها و محدودیت‌های هدف‌گیری

س ۱۸. آیا قواعد دیگری وجود دارد که از غیرنظامیان و اشیای غیرنظامی^{۱۲} در برابر آسیب‌دیدگی حین حمله محافظت کند؟

س ۱۹. حملات چگونه برنامه‌ریزی می‌شوند و اهداف چگونه راستی‌آزمایی می‌شوند؟

س ۲۰. دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌ها چگونه به نیروهای مجری حمله ارائه می‌شود؟

[پرسش‌ها و پاسخ هر مورد]

بخش اول: حقوق حاکم

سؤال ۱. آیا برای اینکه قواعد «حقوق درگیری‌های مسلحانه» در خصوص هدف‌گیری اعمال شود، مهم است که دولت ایالات متحده آن را «جنگ» بنامد یا خیر؟

خیر. در پی بمباران ایران توسط ایالات متحده و اسرائیل که از ۲۸ فوریه آغاز شد، این سه دولت به‌طور قطع درگیر یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی هستند. همان‌طور که در خصوص عملیات نظامی ایالات متحده در ونزوئلا^{۱۳} [قبلاً] توضیح دادیم، اصطلاحات به‌کاررفته توسط رهبران سیاسی تأثیری بر وضعیت حقوقی مخاصمه یا موازین حاکم بر آن ندارد. در آن مورد، ما اعلام کردیم که یک مناقشه مسلحانه بین‌المللی آغاز شده است:

...صرف‌نظر از اینکه ایالات متحده چگونه آن عملیات را توصیف کند. بر اساس «ماده دوم مشترک»^{۱۴} کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹، وجود مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یک امر واقع (مبتنی بر واقعیت)^{۱۵} است. به عبارت دیگر، اگر خصومت‌هایی میان دولت‌ها وجود داشته باشد، مخاصمه مسلحانه بین‌المللی برقرار است، حتی اگر یکی از آن‌ها رسماً وجود آن را به رسمیت نشناسد. ماده ۲ مشترک [کنوانسیون ای ژنو] به عنوان بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی، مورد پذیرش همگانی است.

^{۱۲} Civilian objects

^{۱۳} <https://www.justsecurity.org/127981/international-law-venezuela-maduro/>

^{۱۴} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/gci-1949/article-2>

^{۱۵} https://www.icrc.org/sites/default/files/document_new/file_list/armed_conflict_defined_in_ihl.pdf

با توجه به وجود خصومت میان ایالات متحده و اسرائیل در یک سو و ایران در سوی دیگر، هیچ استدلال موجهی وجود ندارد که بر اساس آن بتوان گفت این وضعیت مصداق مخاصمه مسلحانه بین‌المللی نیست؛ درگیری ای که حقوق مخاصمات مسلحانه بر آن حاکم است (همچنین نک: «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده»^{۱۶}، بخش‌های ۲، ۴، ۳).

با توجه به وجود مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، قواعد عرفی حقوق مخاصمات مسلحانه^{۱۷} در زمینه هدف‌گیری به‌طور کامل اعمال می‌شوند. در حقوق معاهداتی، بسیاری از این قواعد در «پروتکل الحاقی اول سال ۱۹۷۷ وارد به کنوانسیون‌های ژنو» یافت می‌شوند. آن سند در این مخاصمه قابل اعمال نیست، زیرا بازیگران اصلی - از جمله ایران، اسرائیل و ایالات متحده - عضو آن نیستند. با این حال، مفاد بنیادین آن در خصوص هدف‌گیری، عموماً بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی است که برای تمامی دولت‌ها الزام‌آور می‌باشد.

سؤال ۲. آیا قواعد یکسانی بر دولت‌هایی که آغازگر جنگ بوده‌اند و دولت‌هایی که به‌طور غیرقانونی مورد حمله قرار گرفته‌اند، اعمال می‌شود؟

بله. همان‌طور که دو تن از ما (به همراه مایک مایر)^{۱۸} توضیح داده‌ایم، اصل «اعمال برابر»^{۱۹} یکی از ارکان بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه (یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه)^{۲۰} است:

یک اصل اساسی این است که موازین جنگ به‌طور یکسان بر تمامی طرف‌های درگیر در مخاصمه اعمال می‌شود.^{۲۱} هر دو طرف ملزم به رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه هستند. این اصل فارغ از اینکه کدام طرف نخستین حمله را انجام داده، آیا حمله اولیه با حقوق بین‌الملل مطابقت داشته یا خیر، کدام طرف در حال اعمال حق مشروع دفاع از خود است، و صرف‌نظر از میزان مشروعیت یا عدالت اهداف طرفین، همچنان معتبر و لازم‌الاجراست.

برابر ادبیات تخصصی حقوق بین‌الملل،^{۲۲} «اینکه آیا یک دولت در حال نقض ممنوعیت توسل به زور (مندرج در ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد)^{۲۳} عمل می‌کند یا در چارچوب دفاع مشروع فردی یا جمعی (موضوع ماده ۵۱) اقدام

^{۱۶} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-۱/-۱/۰/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-۲۰۱۵-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۷} <https://www.icrc.org/en/law-and-policy/customary-ihl>

^{۱۸} Mike Meier

^{۱۹} <https://www.justsecurity.org/89489/expert-guidance-law-of-armed-conflict-in-the-israel-hamas-war/>

^{۲۰} International Humanitarian Law (IHL)

^{۲۱} <https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-872-6.pdf>

^{۲۲} <https://www.justsecurity.org/133685/iranian-attacks-amazon-data-centers-legal-analysis/>

^{۲۳} <https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>

می‌نماید، هیچ تأثیری بر حقوق مخاصمات مسلحانه ندارد؛ قواعد این حقوق، هم دولت متجاوز و هم دولت قربانی را به‌طور یکسان ملزم می‌سازد.» ایالات متحده نیز این اصل را در «دستورالعمل حقوق جنگ» وزارت دفاع خود (بخش ۳، ۵، ۲، ۱) به رسمیت شناخته است.

سؤال ۳. آیا یک دولت می‌تواند در پاسخ به نقض قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه توسط دشمن، دست به عملیاتی بزند که خود ناقض قواعد مزبور حاکم بر حملات باشد؟

تنها در بسیار محدودترین شرایط - که احتمالاً در اینجا مصداق ندارند - چنین امری ممکن است. «اقدامات تلافی‌جویانه طرفین مخاصمه»^{۲۴} روشی به‌شدت محدود در حقوق مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شوند (منبع زیر خواندنی است).^{۲۵} این اقدامات در حالت عادی غیرقانونی تلقی می‌شدند، اما به این دلیل که در پاسخ به نقض پیشین حقوق مخاصمات مسلحانه توسط طرف مقابل صورت می‌گیرند، مجاز شمرده می‌شوند. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی،^{۲۶} اقدامات تلافی‌جویانه^{۲۷} نباید با هدف انتقام‌جویی، کینه‌توزی یا تنبیه^{۲۸} انجام شوند؛ بلکه تنها هدف آن‌ها ترغیب دشمن به توقف نقض حقوق مخاصمات مسلحانه است. از آنجا که این اقدامات شامل کارهایی است که در غیر این صورت نقض حقوق مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شدند، مشمول شرایط سخت‌گیرانه‌ای هستند: باید نقض موازین در جریان باشد (اقدام تلافی‌جویانه پیش‌دستانه مجاز نیست)؛ این اقدامات تنها باید به عنوان آخرین راهکار (پس از طی کردن و بی‌نتیجه ماندن سایر تدابیر) برای واداشتن دشمن به توقف تخلفات صورت گیرند؛ باید با اقدامات غیرقانونی طرف مقابل تناسب داشته باشند؛ باید توسط مقامات عالی‌رتبه تصویب شوند؛ و باید به عنوان اقدام تلافی‌جویانه اعلام گردند، زیرا هدفشان بازداشتن دشمن از ادامه رفتارهای غیرقانونی است (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا،^{۲۹} بخش‌های ۱۸، ۱۸). به محض تحقق این هدف، اقدامات تلافی‌جویانه باید متوقف شوند. با توجه به رفتارهای علنی طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه جاری با ایران، دشوار می‌توان نتیجه گرفت که این شرایط رعایت شده‌اند.

^{۲۴} Belligerent reprisals

https://casebook.icrc.org/a_to_z/glossary/reprisals

^{۲۵} <https://lieber.westpoint.edu/reprisals-international-humanitarian-law/>

^{۲۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule145>

^{۲۷} Reprisals

^{۲۸} Retaliation, Revenge, or Punishment

^{۲۹} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

علاوه بر این، برخی از انواع اقدامات تلافی جویانه طبق حقوق بین الملل عرفی مطلقاً ممنوع هستند. این موارد شامل اقدامات تلافی جویانه علیه افراد و نهادهای تحت حمایت کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ است^{۳۰} از جمله اسیران جنگی، مجروحان، بیماران و کشتی شکستگان، کارکنان و واحدهای پزشکی، و جمعیت مناطق اشغالی (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا، بخش ۲، ۳، ۱۸، ۱۸). اگرچه پروتکل الحاقی اول^{۳۱} کنوانسیون های ژنو^{۳۲} به این صورت در این درگیری قابل اجرا نیست، اما این واقعیت را با ممنوعیت صریح اقدامات تلافی جویانه علیه طیف وسیعی از افراد و اشیاء تحت حمایت، از جمله غیرنظامیان (ماده ۵۱(۶))، اشیاء غیرنظامی (ماده ۵۲(۱))، اموال فرهنگی (ماده ۵۳(۷))؛ (همچنین به کنوانسیون اموال فرهنگی لاهه^{۳۳} مراجعه کنید)، اشیاء ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی (ماده ۵۴(۴))، محیط زیست طبیعی (ماده ۵۵(۲)) و کارها و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک مانند سدها و نیروگاه های تولید برق هسته ای (ماده ۵۶(۴)) نشان می دهد. ما معتقدیم که منطقی است استدلال کنیم که حداقل برخی از ممنوعیت های پروتکل الحاقی اول در مورد اقدامات تلافی جویانه اکنون به عنوان حقوق بین الملل عرفی الزام آور هستند، اگرچه این موضوع همچنان مورد بحث است^{۳۴} و این سوال که آیا کشورهایی ممکن است به عنوان معترضین مداوم^{۳۵} نسبت به شکل گیری قاعده عرفی^{۳۶} واجد شرایط باشند، همچنان پابرجاست.

بخش دوم: هدف قرار دادن اشخاص

سؤال ۴. چه کسانی ممکن است در جریان یک درگیری مسلحانه هدف قرار گیرند؟

نقطه آغازین بحث، اصل بنیادین «تفکیک»^{۳۷} در حقوق مخاصمات مسلحانه است: طرفین درگیری مسلحانه همواره باید میان رزمندگان^{۳۸} و غیرنظامیان^{۳۹} تمایز قائل شوند و تنها مجاز به هدف قرار دادن گروه نخست هستند؛ البته با استثنای محدودی که در سؤال بعدی (در خصوص مشارکت مستقیم در خصومت ها) توضیح داده شده است.

^{۳۰}: https://www.redcross.org/content/dam/redcross/atg/PDF_s/International_Services/International_Humanitarian_Law/IHL_SummaryGenevaConv.pdf?srsltid=AfmBOoq1ZnX8M4YVZqcG0ver7rPi59lrTn_VhF2N0FAGrxqngBaHHvVD

^{۳۱}: <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۳۲}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>

^{۳۳}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/hague-conv-1954>

^{۳۴}: <https://lieber.westpoint.edu/reprisals-international-humanitarian-law/>

^{۳۵}: persistent objectors

^{۳۶}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule1>

^{۳۷}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule3>

^{۳۸}: <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule5>

در جریان یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، اعضای نیروهای مسلح یک دولت ممکن است در هر زمانی صرفاً بر اساس وضعیت (یا جایگاه) خود مورد حمله قرار گیرند (آنچه «هدف‌گیری مبتنی بر وضعیت»^{۳۹} نامیده می‌شود)، مگر آنکه از دایره رزم خارج شده باشند^{۴۰} (یعنی اسیر شده، تسلیم گشته یا مجروح شده باشند). نیروهای مسلح نه تنها شامل ارتش رسمی — مانند نیروهای مسلح تمام دولت‌های درگیر، از جمله نیروهای مسلح ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی — بلکه شامل شبه‌نظامیان و گروه‌های داوطلبی است که بخشی از آن نیروها محسوب می‌شوند. این امر شامل یگان‌های بسیج^{۴۱} نیز می‌شود که مأموریت پشتیبانی از عملیات‌های نظامی، به‌ویژه عملیات‌های سپاه پاسداران، را بر عهده دارند. همچنین این موضوع به طور گسترده پذیرفته شده است که اعضای «گروه‌های مسلح سازمان‌یافته»^{۴۲} نیز بر همان مبنای اعضای نیروهای مسلح قابل هدف‌گیری هستند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده،^{۴۳} بند ۵، ۷، ۳؛ هرچند در این مورد اختلاف نظر^{۴۴} وجود دارد که آیا این حکم شامل تمام اعضای گروه می‌شود یا تنها کسانی که دارای «کارکرد رزمی مستمر»^{۴۵} هستند.

در مقابل، غیرنظامیان کسانی هستند که در هیچ‌یک از این دسته‌ها قرار نمی‌گیرند. آن‌ها نباید مستقیماً مورد حمله قرار گیرند، باید در ارزیابی «تناسب»^{۴۶} هنگام حمله به رزمندگان و اهداف نظامی مد نظر قرار گیرند، و باید اقدامات احتیاطی^{۴۷} برای پرهیز از آسیب رساندن به آن‌ها اتخاذ شود (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده،^{۴۸} بندهای ۵، ۱۱ و ۵، ۱۲).

سؤال ۵. آیا غیرنظامیان ممکن است مصونیت خود در برابر هدف قرار گرفتن را از دست بدهند؟

^{۳۹} Status-based targeting

^{۴۰} Hors de combat

<https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule47>

^{۴۱} <https://iranprimer.usip.org/resource/basij-resistance-force>

^{۴۲} Organized armed groups

^{۴۳} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۴۴} <https://nyujilp.org/wp-content/uploads/2012/04/42.3-Watkin.pdf>

^{۴۵} Continuous combat function

^{۴۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۴۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۴۸} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

بله، اما تنها تحت شرایط خاصی که در اینجا توضیح می‌دهیم. غیرنظامیان تنها «در مدت زمانی که» مستقیماً^{۴۹} در خصومت‌ها مشارکت دارند، مصونیت خود در برابر حمله را از دست می‌دهند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا؛ بخش ۵۸). مشارکت مستقیم شامل رفتاری است که هدف آن آسیب رساندن به عملیات یا توان نظامی دشمن باشد، یا رفتاری که مستقیماً به چنین آسیبی کمک کند. نکته بسیار مهم این است که باید رابطه‌ای علی و مستقیم میان آن عمل و آسیب وارده وجود داشته باشد؛ بدین معنا که رفتار مذکور باید ارتباط نزدیکی با عملیات نظامی‌ای داشته باشد که احتمالاً پیامدهای نظامی به دنبال دارد؛ مشارکت‌های کلی یا غیرمستقیم برای این منظور کافی نیستند.

نمونه‌هایی از مشارکت مستقیم عبارتند از: انجام حملات، کار با سامانه‌های تسلیحاتی، انتقال اطلاعات مربوط به اهداف، هدایت نیروها به سمت یک هدف، انتقال سلاح به رزمندگان خط مقدم (یا به «موضع آتش فعال»)^{۵۰} و یا ایفای نقش به عنوان دیده‌بان^{۵۱} یا مسئول شناسایی و تعیین موقعیت هدف در حین عملیات (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا؛ بخش ۳۱، ۵۸). فعالیت‌های با فاصله بیشتر از صحنه نبرد، نظیر مشارکت در تولیدات عمومی جنگ، حمایت سیاسی یا کمک‌های اقتصادی، واجد شرایط لازم برای این سطح از مشارکت نیستند. افرادی که مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت دارند، تنها در همان بازه زمانی مشارکت در معرض حمله قرار می‌گیرند؛ هرچند در خصوص نحوه تعریف این بازه زمانی — به‌ویژه زمانی که رفتار مذکور تکرار شونده باشد — اختلاف نظرهای^{۵۲} قابل توجهی وجود دارد.

سؤال ۶. آیا می‌توان رهبران سیاسی را هدف قرار داد؟

خیر، مگر اینکه آن‌ها به طور مستقل در زمره «رزمندگان»^{۵۳} قرار گیرند یا مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت کنند. رهبران سیاسی صرفاً به واسطه سمت یا مقامی که دارند، هدف مشروع محسوب نمی‌شوند. در حقوق مخاصمات مسلحانه، پرسش تعیین‌کننده این است که آیا فرد عضو نیروهای مسلح است یا خیر؛ و اگر عضو نیروهای مسلح نیست،

^{۴۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule10>

^{۵۰} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۵۱} <https://casebook.icrc.org/case-study/icrc-interpretive-guidance-notion-direct-participation-hostilities>

^{۵۲} <https://casebook.icrc.org/case-study/icrc-interpretive-guidance-notion-direct-participation-hostilities>

^{۵۳} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۵۴} <https://nyujilp.org/wp-content/uploads/2012/04/42.3-Boothby.pdf>

^{۵۵} Combatants

آیا غیرنظامی‌ای است که مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت دارد (در این زمینه تحلیل «مایک» و «مارکو میلانوویچ»^{۵۶} قابل مطالعه است).

بدیهی است که رهبران نظامی ممکن است هدف حمله قرار گیرند. در ایران، نیروهای مسلح نه تنها شامل ارتش (ارتش جمهوری اسلامی ایران) بلکه شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) نیز می‌شوند که جزء لاینفک نیروهای مسلح ایران است. افرادی که عضو این نهادها هستند، بر اساس موقعیت / جایگاه^{۵۷} خود قابل هدف‌گیری می‌باشند. این شامل رهبران سیاسی نیز می‌شود که رسماً در نیروهای مسلح دارای سمت هستند و بر عملیات‌ها اعمال فرماندهی می‌کنند.

رهبران سیاسی که عضو نیروهای مسلح نیستند، نمی‌توانند صرفاً بر اساس وضعیت خود هدف حمله قرار گیرند. در عوض، آن‌ها نیز مانند سایر غیرنظامیان، تنها «تا زمانی» که «مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت دارند» ممکن است هدف قرار گیرند (به سؤال ۵ مراجعه کنید). در بافتار و موقعیت رهبری^{۵۸}، اتخاذ تصمیمات عملیاتی یا تصمیم‌گیری درباره اهداف خاص، صدور دستور برای حملات مشخص، یا اعمال هرگونه اقتدار عملیاتی بر نیروهای نظامی درگیر در خصومت‌ها، مصداق بارز چنین مشارکتی محسوب می‌شود. چنین مشارکت مستقیمی اغلب به عنوان مشارکت در سطوح تاکتیکی یا عملیاتی جنگ توصیف می‌شود.

این رویکرد در «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده»^{۵۹} بازتاب یافته است: «رهبرانی که عضو نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح نیستند (از جمله سران کشورها، مقامات غیرنظامی و رهبران سیاسی)، در صورتی که مسئولیت‌هایشان شامل فرماندهی یا کنترل عملیاتی نیروهای مسلح باشد، ممکن است هدف حمله قرار گیرند. برای مثال، رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده کل قوای مسلح ایالات متحده در زمان جنگ هدفی مشروع محسوب می‌شود؛ همچنین نخست‌وزیر یک نظام پادشاهی مشروطه نیز می‌تواند چنین وضعیتی داشته باشد» (بخش ۵، ۷، ۴).

در مقابل، تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی – نظیر تعیین راهبرد ملی، تصویب بودجه‌های نظامی یا تبیین اهداف جنگ – به منزله مشارکت مستقیم در خصومت‌ها محسوب نمی‌شود. معیار سنجش در اینجا معیاری کارکردی است که میان «اختیار سیاسی» از یک سو و «فرماندهی نظامی و مشارکت عملیاتی» از سوی دیگر، تمایز قائل می‌شود. آن دسته از

^{۵۶} <https://www.justsecurity.org/133171/ayatollah-khamenei-leadership-strike-law/>

^{۵۷} Status

^{۵۸} The leadership context

^{۵۹} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

رهبران سیاسی که مشارکت مستقیمی در خصومت‌ها ندارند، صرف‌نظر از میزان شهرت یا نفوذشان، همچنان از حمایت‌های مقرر برای غیرنظامیان در چارچوب «حقوق مخاصمات مسلحانه» برخوردارند. در مخاصمه کنونی، به نظر ما، قصد^{۶۰} گزارش شده برای هدف قرار دادن محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه (که بنا بر گزارش‌ها، در زمان نگارش این متن، نامشان به درخواست پاکستان^{۶۱} از فهرست اهداف [آمریکا و اسرائیل] حذف شده است)^{۶۲} بر اساس وضعیت آن‌ها اقدامی غیرقانونی تلقی می‌شود؛ بدین معنا که در غیاب اطلاعاتی روشن مبنی بر مشارکت مستقیم در خصومت‌ها، آن‌ها همچنان غیرنظامی محسوب شده و باید در همین مقام در برابر حملات مصون بمانند.

رهبران سیاسی پیشین^{۶۳} از جمله کسانی که در گذشته عضو نیروهای مسلح بوده یا مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت داشته‌اند – تنها در صورتی ممکن است هدف حمله قرار گیرند که متعاقباً در خصومت‌های جاری مشارکت کنند. رهبران آینده را نمی‌توان پیش‌دستانه هدف قرار داد؛ آن‌ها تنها در صورتی به اهداف مشروع تبدیل می‌شوند که سمتی در نیروهای مسلح بر عهده گیرند یا به عنوان رهبران غیرنظامی، مستقیماً در خصومت‌ها مشارکت کنند، و این وضعیت تنها تا زمانی که چنین مشارکتی ادامه داشته باشد، صادق است.

سؤال ۷. آیا می‌توان به نهادها و کارکنان مجری قانون/نیروهای چوین پلیس و امور انتظامی [حمله کرد؟

خیر، مگر اینکه آن‌ها در نیروهای مسلح ادغام شده باشند یا مستقیماً در مخاصمات مشارکت کنند. کارکنان مجری قانون طبق حقوق مخاصمات مسلحانه عموماً غیرنظامی محسوب می‌شوند و از این رو، در برابر حمله مستقیم مصونیت دارند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده،^{۶۴} بند ۴، ۲۳). با این حال، اگر آن‌ها در جریان یک مخاصمه

^{۶۰} <https://www.jpost.com/middle-east/iran-news/article-891221>

^{۶۱} <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/israel-took-irans-araqchi-qalibaf-off-hit-list-pakistan-request-pakistani-2026-03-26/>

^{۶۲} . بر خلاف این گزارش نویسندگان، در خلال تجاوز همه جانبه نظامی علیه ایران، چندین بار متجاوزان تلاش کردند که این مقامات و حتی رئیس جمهور و معاون اول ایشان را نیز ترور کنند. طرح ترور مربوط به وزیر امور خارجه ایران قبل از اقدام طراحی شده، کشف و خنثی شد و در مورد مقامات سیاسی دیگر ایران نیز چندین نوبت اقدام به بمباران علیه مکان‌های احتمالی حضور ایشان صورت گرفته ولی برنامه ریزی‌های حفاظتی نهادهای رسمی ایران متجاوزان را ناکام گذاشته است و در برخی موارد نیز اتفاقات غیر منتظره باعث نجات مقامات ایران در مکان مورد هدف قرار گرفته شده است چنانچه نجات مسئولان از بمباران جلسه شورای عالی امنیت ملی یا برخی مقامات دیگر از مکانهای مورد هدف قرار گرفته در همین چارچوب قابل تحلیل است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۶۳} <https://www.justsecurity.org/133171/ayatollah-khamenei-leadership-strike-law/>

^{۶۴} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

مسلحانه بین‌المللی و از طریق قوانین داخلی، ترتیبات فرماندهی یا یکپارچه‌سازی عملیاتی در نیروهای مسلح ادغام شوند، اعضای آنها وضعیت «رزمنده» پیدا می‌کنند و صرفاً بر همین اساس ممکن است هدف حمله قرار گیرند.

حتی در مواردی که کارکنان مجری قانون در نیروهای مسلح ادغام نشده و همچنان غیرنظامی باقی می‌مانند، تا زمانی که مستقیماً در مخاصمات مشارکت دارند، قابل هدف‌گیری هستند (به سؤال ۵ مراجعه کنید). نمونه‌هایی از این مشارکت شامل انجام عملیات رزمی و گردآوری اطلاعات عملیاتی (قابل بهره‌برداری) برای استفاده ارتش است.

نکته حائز اهمیت در مخاصمه کنونی این است که پروژه^{۶۵} کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد «مشارکت مستقیم در مخاصمات» به این نتیجه رسید که غیرنظامیانی که طبق حقوق مخاصمات مسلحانه، موجب «مرگ، جراحت یا تخریب اشخاص یا اشیایی می‌شوند که در برابر حمله مستقیم مصونیت دارند»، ممکن است به عنوان مشارکت‌کنندگان مستقیم در مخاصمات تلقی شوند و در نتیجه، مصونیت خود در برابر حمله را از دست بدهند. تمامی اعضای گروه کارشناسان بین‌المللی که در این پروژه مشارکت داشتند (از جمله مایک)، با این گزاره موافقت کردند.

بخش سوم: هدف‌گیری اشیاء / اعیان

سؤال ۸. چه اشیایی ممکن است مورد حمله قرار گیرند؟

تنها «اهداف نظامی» - که یک اصطلاح حقوقی تخصصی است - ممکن است مورد حمله قرار گیرند. بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه، اهداف نظامی عبارتند از «اشیایی که به واسطه ماهیت، موقعیت، هدف یا کاربری خود، سهم مؤثری در اقدام نظامی دارند و انهدام جزئی یا کلی، تصرف یا خنثی‌سازی آنها، در شرایط حاکم در آن زمان، مزیت نظامی قطعی فراهم می‌آورد» (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع ایالات متحده، بُند ۳، ۵، ۶؛ همچنین نک: پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۲(۲)؟^{۶۷} بیانیه^{۶۸} مشاور حقوقی وزارت امور خارجه ایالات متحده). این یک معیار دوجانبه است که در آن هم باید ارتباطی کافی میان شیء و اقدام نظامی وجود داشته باشد و هم حمله به آن شیء باید منجر به مزیتی نظامی شود که فراتر از حدس و گمان صرف باشد.

چهار دسته‌بندی از اشیاء که می‌توانند «سهم مؤثری» داشته باشند، این تعریف را عملیاتی می‌کنند.

^{۶۵} <https://www.icrc.org/sites/default/files/external/doc/en/assets/files/other/icrc-002-0990.pdf>

^{۶۶} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۶۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-52?activeTab=>

^{۶۸} <https://www.justsecurity.org/wp-content/uploads/2016/04/Egan-ASIL-speech.pdf>

اشیاء زمانی بر اساس «ماهیت» هدف نظامی محسوب می‌شوند که ذاتاً نظامی باشند؛ مانند سامانه‌های تسلیحاتی، خودروهای نظامی، هواپیماهای نظامی، کشتی‌های جنگی و تأسیسات فرماندهی و کنترل. اشیای غیرنظامی زمانی بر اساس «موقعیت» به هدف نظامی تبدیل می‌شوند که جایگاه جغرافیایی‌شان آن‌ها را از نظر نظامی حائز اهمیت سازد؛ مانند سازه‌هایی که مزیت تاکتیکی ایجاد می‌کنند، همچون ارتفاعی برای دیده‌بانی یا نقطه‌ای استراتژیک و گلوگاهی برای مانور.

اشیاء بر اساس «هدف» (یا مقصود کاربری) واجد این عنوان می‌شوند؛ برای مثال، ساختمانی غیرنظامی که با تجهیز به امکانات ارتباطی نظامی و مقاوم‌سازی در برابر حمله، برای استفاده نظامی تغییر کاربری داده شده است.

در نهایت، اشیای غیرنظامی زمانی بر اساس «کاربری»^{۶۹} به اهداف نظامی بدل می‌شوند که برای مقاصد نظامی به کار گرفته شوند؛ مانند یک ساختمان مسکونی که محل استقرار نیروها یا انبار مهمات است، یا تجهیزات ارتباطی غیرنظامی که برای انتقال دستورات و اطلاعات نظامی استفاده می‌شوند.

درک این نکته ضروری است که این تحلیل وابسته به شرایط و بافتار^{۷۰} است. برای مثال، تأسیساتی که پیش‌تر توسط نیروهای مسلح استفاده می‌شده اما دیگر چنین کاربردی ندارد و هیچ نشانه‌ای مبنی بر استفاده نظامی از آن در آینده نیز وجود ندارد، به وضعیت غیرنظامی بازمی‌گردد. (این مورد، برای نمونه، در خصوص دبستان دخترانه «شجره طیبه» در میناب صدق می‌کند که در روز نخست جنگ هدف موشک تاماهاوک [آمریکا] قرار گرفت^{۷۱}؛ مکانی که سال‌ها پیش از آن، تأسیسات سپاه پاسداران بود، اما در زمان حمله، بی‌شک کاربری غیرنظامی داشت.)

سؤال ۹. در مورد حملات به تأسیسات نفتی چه می‌توان گفت؟

این حملات تنها در صورتی مشروع هستند که واجد شرایط لازم برای تلقی شدن به عنوان «هدف نظامی» باشند (به سؤال ۸ مراجعه کنید) و همچنین قواعدی نظیر تناسب و احتیاط در حمله (در کنار سایر قواعد) رعایت شوند. تأسیسات نفتی نیز مانند سایر اماکنی که معمولاً ماهیت غیرنظامی دارند، ممکن است به واسطه کاربری (یا هدف) فعلی یا آتی خود به هدف نظامی^{۷۲} تبدیل شوند. از آنجا که زیرساخت‌های تولید، پالایش و توزیع نفت در اکثر موارد نیازهای

^{۶۹} use

^{۷۰} Context

^{۷۱} <https://www.nytimes.com/2026/03/11/us/politics/iran-school-missile-strike.html>

^{۷۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule8>

اقتصادی و انرژی غیرنظامیان را تأمین می‌کنند، اثبات اینکه یک تأسیسات خاص واجد شرایط هدف نظامی است - آن هم بر اساس اطلاعات موثق و متناسب با شرایط و زمینه خاص - بر عهده طرف مهاجم است.

در عین حال، تأسیسات نفتی اغلب به عنوان اماکن «با کاربری دوگانه» توصیف می‌شوند؛ بدین معنا که هم کارکرد غیرنظامی دارند و هم کارکرد نظامی. برای مثال، زیرساخت‌های سوخت‌رسانی می‌توانند ضمن تأمین نیاز نیروهای مسلح (شامل خودروهای نظامی، هواپیماها، کشتی‌های جنگی و غیره)، از زندگی غیرنظامیان، صنعت و حمل‌ونقل نیز پشتیبانی کنند. بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه، چنین تأسیساتی در صورتی به اهداف مشروع تبدیل می‌شوند که سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند (که در این موارد چنین است) و آسیب رساندن یا انهدام آن‌ها، «مزیت نظامی قطعی» برای مهاجم به همراه داشته باشد.

همان‌طور که در «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع»^{۷۳} [آمریکا] هشدار داده شده است، در چنین مواردی «هنگام اعمال اصل تناسب»^{۷۴} شایسته است آسیبی که انتظار می‌رود در پی حمله به چنین هدف نظامی‌ای متوجه جمعیت غیرنظامی شود، مد نظر قرار گیرد» (بخش ۵، ۶، ۱، ۲). این آسیب شامل مواردی همچون جراحت یا مرگ غیرنظامیان (از جمله کارکنان تأسیسات)، و همچنین خسارت به بخش‌های مجزایی از تأسیسات که کاربری نظامی ندارند یا خسارت به اماکن غیرنظامی واقع در مجاورت آن می‌شود. این موارد همچنین شامل سایر پیامدهای قابل پیش‌بینی معقولی است که به جمعیت غیرنظامی آسیب می‌رساند، و نیز «خسارت جانبی» بیش از حد به محیط زیست^{۷۵} را در بر می‌گیرد.

حتی اگر یک تأسیسات نفتی یک هدف نظامی باشد و حمله به آن [اصل] تناسب را نقض نکند، مهاجم به طور مستقل ملزم به انجام اقدامات احتیاطی^{۷۶} ممکن برای جلوگیری یا به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی است. علاوه بر این، اگر حمله «ممکن است باعث آسیب شدید به جمعیت غیرنظامی و محیط طبیعی شود»، حمایت‌های ویژه اعمال شده برای نیروها/مواد خطرناک^{۷۷} شایسته است [مورد رعایت قرار گیرد] (به سوال ۸ مراجعه کنید).

^{۷۳} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۷۴} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۷۵} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule43>

^{۷۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۷۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule42>

یک نظریه بحث‌برانگیزتر این است که تأسیسات نفتی ممکن است به عنوان اشیاء به اصطلاح "تداوم بخش/پشتیبان جنگ"^{۷۸} بر اساس اینکه درآمدهای ایجاد می‌کنند که از تلاش‌های جنگی دشمن پشتیبانی به عمل می‌آید، هدف قرار گیرند. کتابچه راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع^{۷۹} [آمریکا] ادعا می‌کند که "اشیاء اقتصادی مرتبط با عملیات نظامی یا با صنایع پشتیبانی‌کننده یا جنگ‌افزاری به عنوان اهداف نظامی در نظر گرفته شده‌اند." به عنوان مثال، به "تأسیسات پالایش و توزیع نفت و اشیاء مرتبط با نفت، روغن و فرآورده‌های روان‌کننده (از جمله تأسیسات تولید، حمل و نقل، ذخیره‌سازی و توزیع)" اشاره می‌کند (بخش‌های ۵، ۶، ۸، ۵).

این رویکرد به طور جهانی پذیرفته نشده است و بسیاری از کشورها و مفسران (از جمله مایک و تس)^{۸۰} این دیدگاه را دارند که حقوق مخاصمات مسلحانه مستلزم ارتباط مستقیم‌تری با اقدام نظامی نسبت به یک کمک اقتصادی عمومی است. بر این اساس، در حالی که تأسیسات نفتی ممکن است در برخی شرایط به عنوان اهداف قانونی - به ویژه در مواردی که مستقیماً از عملیات نظامی پشتیبانی می‌کنند - واجد شرایط باشند، هدف قرار دادن آنها صرفاً بر اساس "تداوم بخشی/پشتیبانی جنگ" همچنان از نظر قانونی مورد مناقشه است.

علاوه بر این، همانطور که سرهنگ دوم دبلیو. کیسی بیگستف نوشت^{۸۱}، حتی با توجه به این دیدگاه که اشیاء تداوم بخش/پشتیبان جنگ می‌توانند در برخی شرایط قابل هدف گرفتن قرار گیرند، "این الزام را که یک هدف نظامی ارتباط علی قابل تشخیصی با اقدام نظامی دشمن نشان دهد، از بین نمی‌برد؛" هیچ قاعده‌ای وجود ندارد که تأسیسات نفتی به خودی خود قابل هدف قرار گرفتن باشند؛ و منابع اقتصادی "صرفاً به این دلیل که به مجموعه کلی منابع موجود برای دشمنانشان کمک می‌کنند، به عنوان اهداف نظامی واجد شرایط نیستند."

پرسش ۱۰: وضعیت نیروگاه‌ها و سایر تأسیسات مرتبط با برق چگونه است؟

زیرساخت‌های برق، شامل نیروگاه‌های تولید، سیستم‌های انتقال و پست‌های برق، عموماً ماهیتی غیرنظامی دارند و بنابراین در برابر حمله مصون هستند، مگر آنکه با تعریف «هدف نظامی» مطابقت داشته باشند (به پرسش ۸ مراجعه کنید). تشخیص این امر به آن بستگی دارد که آیا آن تأسیسات در شرایط حاکم بر آن زمان، سهم مؤثری در عملیات نظامی ایفا می‌کنند و آیا انهدام آن‌ها مزیت نظامی قطعی به همراه دارد یا خیر. در بیشتر موارد، سیستم‌های برق نقشی

^{۷۸} So-called war-sustaining objects

^{۷۹} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۸۰} Mike and Tess

^{۸۱} <https://www.justsecurity.org/134853/targeting-enemy-logistics/>

حیاتی در زندگی غیرنظامیان دارند - از جمله پشتیبانی از بیمارستان‌ها، توزیع آب، خدمات بهداشتی، فعالیت‌های اقتصادی پایه و زندگی روزمره - و همین امر، در غیاب ارتباط نظامی روشن و ملموس، مانع جدی و مهمی در برابر هدف قرار دادن آن‌ها محسوب می‌شود.

با این حال، تأسیسات مرتبط با برق اغلب به عنوان «اهداف با کاربری دوگانه» عمل می‌کنند. برق ممکن است مستقیماً از توانمندی‌های نظامی، نظیر سیستم‌های فرماندهی و کنترل، شبکه‌های پدافند هوایی، کارخانه‌های تولید سلاح و عملیات تأسیسات نظامی پشتیبانی کند. رویه‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که زیرساخت‌های برق در مواردی هدف قرار گرفته‌اند که انهدام آن‌ها موجب تضعیف کارایی نظامی دشمن می‌شده است. اما باید تأکید کرد که حمله به زیرساخت‌های برق تنها زمانی مجاز است که مزیت نظامی «قطعی» به همراه داشته باشد؛ حمله به آن‌ها بدون وجود توجیه نظامی روشن، مجاز نیست.

حتی در مواردی که یک تأسیسات برق با معیار «هدف نظامی» مطابقت داشته باشد، حمله به آن به شدت تابع قواعد «تناسب»^{۸۲} و «اقدامات احتیاطی در حمله»^{۸۳} است (به پرسش ۱۸ مراجعه کنید). سیستم‌های برق معمولاً به یکدیگر متصل هستند؛ بدین معنا که آسیب به یک جزء می‌تواند پیامدهای گسترده و قابل پیش‌بینی برای جمعیت غیرنظامی داشته باشد، از جمله تأثیرات زنجیره‌ای بر تأمین آب و غذا، مراقبت‌های درمانی، بهداشت عمومی و توانایی واکنش در شرایط اضطراری. چنین پیامدهای قابل پیش‌بینی‌ای باید پیش از حمله و بر اساس قاعده تناسب ارزیابی شوند و طراحان یا مجریان حمله موظفند تمام اقدامات عملی ممکن را برای کاهش آسیب به کار گیرند؛ اقداماتی نظیر محدود کردن دامنه حمله، انتخاب اجزای خاصی از سیستم برق، انتخاب تسلیحاتی که احتمالاً آسیب فیزیکی، بیماری، جراحت یا مرگ کمتری ایجاد می‌کنند، و یا انتخاب هدفی کاملاً متفاوت که همان اثر مطلوب را بر توانمندی نظامی دشمن داشته باشد.

سؤال ۱۱. در مورد حملات به تأسیسات آب شیرین کن چه می‌توان گفت؟

از آنجا که تأسیسات آب شیرین کن پیوند تنگاتنگی با تأمین آب حیاتی برای زندگی غیرنظامیان دارند، حمله به آن‌ها با محدودیت‌های حقوقی قابل توجهی روبروست و توجیه چنین حملاتی در چارچوب حقوق مداخلات مسلحانه دشوار است. این تأسیسات در اصل «اعیان/ اشیاء غیرنظامی» (اموال غیرنظامی)^{۸۴} محسوب می‌شوند و تنها در صورتی

^{۸۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۸۳} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۸۴} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule9>

می‌توانند هدف حمله قرار گیرند که به «اهداف نظامی»^{۸۵} تبدیل شده باشند؛ یعنی چنانچه از طریق کارکردشان سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند و انهدام آن‌ها مزیت نظامی مشخصی به همراه داشته باشد (به سؤال ۸ مراجعه کنید). در بیشتر موارد، از این تأسیسات برای تولید آب آشامیدنی جمعیت غیرنظامی استفاده می‌شود که این امر مانع از تلقی آن‌ها به عنوان هدف نظامی است. تنها در شرایطی محدود- مثلاً زمانی که تأسیسات مستقیماً از نیروهای نظامی دشمن پشتیبانی می‌کند- ممکن است آن تأسیسات به هدفی مشروع برای حمله تبدیل شود. حتی در آن صورت نیز، قواعد مربوط به «تناسب»^{۸۶} و «اقدامات احتیاطی»^{۸۷} (به سؤال ۵ مراجعه کنید) تا آنجا که از دست رفتن تأسیسات بر سلامت غیرنظامیان تأثیر می‌گذارد، اعمال خواهند شد. پیامدهای قابل پیش‌بینی برای جمعیت غیرنظامی در مخاصمه کنونی به‌ویژه حاد است، زیرا بسیاری از کشورهای درگیر دارای اقلیم‌های فوق‌العاده خشک هستند و برای تأمین آب حیاتی خود به آب شیرین‌کن‌ها^{۸۸} وابسته‌اند.

ممنوعیت عرفی تحمیل گرسنگی نیز بر مسئله هدف قرار دادن تأسیسات آب شیرین‌کن تأثیرگذار است. همان‌طور که در «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع»^{۸۹} [ایالات متحده] آمده است: «با این حال، تحمیل گرسنگی که مشخصاً جمعیت غیرنظامی دشمن را هدف قرار دهد، ممنوع است. برای مثال، انهدام ذخایر غذا یا آب با هدف محروم کردن جمعیت غیرنظامی از مایحتاج حیاتی، ممنوع خواهد بود» (بخش ۱، ۲۰، ۵؛ همچنین نک: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی، قواعد ۵۳ و ۵۴).^{۹۰} بنابراین، اگر حمله به تأسیسات آب شیرین‌کن با قصد محروم کردن جمعیت غیرنظامی از آب صورت گیرد، ناقض این ممنوعیت است. با این حال، حتی در صورت نبود چنین قصدی، هنگام اعمال قواعد مربوط به تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله، باید پیامدهای قابل پیش‌بینی مختل کردن یک منبع اصلی آب آشامیدنی-مانند کم‌آبی بدن، بیماری و پیامدهای بشردوستانه زنجیره‌وار- مد نظر قرار گیرد.

اگرچه در این درگیری به این صورت قابل اجرا نیست، اما شایان ذکر است که پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) [وارد بر کنوانسیون‌های ژنو] صراحتاً حمله به اشیاء ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی، از جمله تأسیسات و منابع آب آشامیدنی (ماده ۵۴)^{۹۱} را ممنوع می‌کند. تأسیسات آب شیرین‌کن، به ویژه در مناطق کم‌آب، به وضوح به عنوان

^{۸۵} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule8>

^{۸۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۸۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۸۸} <https://www.csis.org/analysis/could-iran-disrupt-gulf-countries-desalinated-water-supplies>

^{۸۹} <https://ogc.osd.mil/Portals/99/Law%20of%20War%202023/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.pdf?ver=Qbxamfouw4znu1I7DVMcsw%3D%3D>

^{۹۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule53>

^{۹۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule54>

^{۹۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-54>

«اشیاء ضروری»^{۹۳} شناخته می‌شوند، زیرا تخریب یا آسیب آنها می‌تواند اثرات فوری و گسترده‌ای بر دسترسی به آب آشامیدنی داشته باشد («آب و سیستم‌هایی که توسط آنها تولید و تأمین می‌شوند... ذاتاً ضروری^{۹۴} تلقی می‌شوند»). این ماده نشان‌دهنده نگرانی گسترده‌تری است - که در حقوق عرفی ذکر شده در بالا نیز مشهود است - مبنی بر اینکه زیرساخت‌های لازم برای تأمین آب برای غیرنظامیان، مستلزم توجه ویژه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هدف‌گیری است. (برای تحلیلی متفکرانه در مورد هدف قرار دادن اشیاء ضروری برای بقای غیرنظامیان، به اثر تام دانباوم^{۹۵} در مراجعه کنید).^{۹۶}

سوال ۱۲. در مورد حملات به تأسیساتی که به طور خاص خطرناک هستند، مانند سایت‌های هسته‌ای، یا در نزدیکی آنها چه؟

تأسیساتی مانند نیروگاه‌های هسته‌ای و سایر به اصطلاح "کارهای حاوی نیروهای خطرناک"،^{۹۷} مانند سدها یا تأسیسات تولید سلاح‌های کشتار جمعی، معمولاً اشیاء غیرنظامی هستند. آنها فقط در صورتی می‌توانند مورد حمله قرار گیرند که به عنوان اهداف نظامی^{۹۸} واجد شرایط باشند، زیرا سهم مؤثری در اقدام نظامی دارند و تخریب آنها یک مزیت نظامی قطعی ارائه می‌دهد. در چنین مواردی، آنها مشمول همان موازین مرسوم حقوق مخاصمات مسلحانه مانند سایر اهداف نظامی، از جمله قاعده تناسب^{۹۹} و الزام به اقدامات احتیاطی در حمله^{۱۰۰} برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان هستند. با این حال، از آنجا که آسیب به آنها می‌تواند نیروهای خطرناکی مانند تشعشعات یا سیل را آزاد کند و باعث آسیب شدید و گسترده به غیرنظامیان شود، در عمل به آنها توجه ویژه می‌شود. به طور خاص، پیش‌بینی اثرات فاجعه‌بار بسیار فراتر از هدف فوری، نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق پتانسیل آسیب‌های اتفاقی به غیرنظامیان و خسارات جانبی به اشیاء غیرنظامی دارد.

در حالی که پروتکل الحاقی اول [کنوانسیون‌های ژنو] برای این درگیری [مورد بحث کنونی ما] قابل اجرا نیست، نگرانی‌های شدید در مورد حمله به چنین اهدافی را نشان می‌دهد. ماده ۵۶^{۱۰۱} [این پروتکل] حمله به سدها، آب‌بندها

^{۹۳} Objects indispensable

^{۹۴} Intrinsically indispensable

<https://www.justsecurity.org/81209/legal-frameworks-for-assessing-the-use-of-starvation-in-ukraine/>

^{۹۵} Tom Dannenbaum

^{۹۶} <https://www.justsecurity.org/81209/legal-frameworks-for-assessing-the-use-of-starvation-in-ukraine/>

^{۹۷} Works containing dangerous forces

^{۹۸} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule8>

^{۹۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۱۰۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۱۰۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-56>

و نیروگاه‌های تولید برق هسته‌ای را، حتی اگر اهداف نظامی باشند، ممنوع می‌کند، اگر این حمله ممکن است باعث «رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه تلفات شدید در میان جمعیت غیرنظامی» شود. این ماده همچنین حفاظت را به اهداف نظامی واقع در یا نزدیک چنین تأسیساتی گسترش می‌دهد، زمانی که حمله به آنها می‌تواند همان اثرات را ایجاد کند. این حفاظت فقط در شرایط کاملاً تعریف‌شده‌ای ممکن است متوقف شود، مانند زمانی که تأسیسات پشتیبانی منظم، قابل توجه و مستقیمی از عملیات نظامی ارائه می‌دهد و حمله تنها وسیله ممکن برای پایان دادن به آن پشتیبانی است. ماده ۵۶ منعکس‌کننده یک نگرانی بشردوستانه گسترده‌تر است، که در حقوق عرفی^{۱۲} نیز مشهود است، مبنی بر اینکه حملات به تأسیسات هسته‌ای یا نزدیک آنها مشمول بررسی حقوقی فوق‌العاده بالایی هستند (به مطالعه حقوق بشردوستانه عرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، قاعده ۴۲ مراجعه کنید: «باید مراقبت ویژه‌ای صورت گیرد... تا از رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه تلفات شدید در میان جمعیت غیرنظامی جلوگیری شود.»).

کتابچه راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع^{۱۴} [ایالات متحده] این رویکرد را منعکس می‌کند، در حالی که هرگونه مصونیت قطعی برای چنین تأسیساتی را رد می‌کند. این راهنما اذعان می‌کند که تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک در صورتی که اهداف نظامی باشند، می‌توانند مورد حمله قرار گیرند، به عنوان مثال، برای جلوگیری از «انتقال برق به منابع نظامی» یا «استفاده از یک تأسیسات خطرناک (مثلاً با رهاسازی از یک سد) برای آسیب رساندن یا تخریب سایر اهداف نظامی». با این حال، در این دستورالعمل همچنین هشدار داده شده است که «با توجه به احتمال افزایش ابعاد آسیب‌های جانبی، ممکن است اتخاذ تدابیر احتیاطی مضاعف-نظیر برنامه‌ریزی دقیق تسلیحاتی^{۱۵} یا زمان‌بندی حمله به گونه‌ای که شرایط جوی، پراکندگی مواد خطرناک را به حداقل برساند - برای کاهش خطری که آزادسازی این عوامل خطرناک ممکن است متوجه جمعیت غیرنظامی سازد، مناسب باشد» (بخش ۱۳، ۵).

بخش چهارم: تعیین اهداف دریایی (برای مطالعه تحلیل‌های عمیق‌تر، مقاله معرفی شده زیر^{۱۶} و هم چنین یک نوشتار دیگر قابل توصیه هستند).^{۱۷}

سؤال ۱۳: چه نوع کشتی‌هایی ممکن است مورد حمله قرار گیرند؟

^{۱۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule42>

^{۱۳} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule42>

^{۱۴} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۵} weaponizing

^{۱۶} <https://www.justsecurity.org/133999/law-naval-warfare-iran-war/>

^{۱۷} <https://www.justsecurity.org/133996/legal-operational-strait-hormuz-transit-passage/>

همانند جنگ‌های زمینی، در دریا نیز تنها اهداف نظامی ممکن است مورد حمله واقع شوند. کشتی‌های جنگی ماهیتاً هدف نظامی محسوب می‌شوند و صرفاً بر همین اساس می‌توان آن‌ها را هدف قرار داد. همین امر در مورد شناورهای کمکی نیروی دریایی نیز صدق می‌کند؛ شناورهایی که اگرچه در زمره کشتی‌های جنگی قرار نمی‌گیرند (مثلاً فرمانده آن‌ها غیرنظامی است و نه افسر رسمی نیروی دریایی)، اما تحت مالکیت یا کنترل نیروهای مسلح بوده و برای مقاصد نظامی-مانند حمل‌ونقل نیرو، تدارکات یا سوخت در راستای پشتیبانی مستقیم از عملیات نظامی- به کار گرفته می‌شوند.

در مقابل، کشتی‌های تجاری و سایر شناورهای غیرنظامی از مصونیت در برابر حمله برخوردارند، مگر آنکه به واسطه نوع کاربری یا رفتارشان به هدف نظامی تبدیل شوند. برای مثال، اگر این کشتی‌ها حامل تجهیزات نظامی باشند، اطلاعات مخابره کنند یا به هر نحو دیگری مشارکت مؤثری در اقدامات نظامی داشته باشند، هدف نظامی محسوب می‌شوند.

نحوه برخورد با غیرنظامیان حاضر در کشتی‌های تجاری یا غیرنظامی‌ای که هدف نظامی محسوب می‌شوند- در چارچوب ارزیابی اصل تناسب - موضوعی است که در حقوق جنگ‌های دریایی هنوز تعیین تکلیف نشده است. همان‌طور که در «دستورالعمل نیوپورت در باب حقوق جنگ‌های دریایی»^{۸۸} آمده است: «بر اساس یک دیدگاه، حضور مسافران در کشتی‌ای که هدف مشروع محسوب می‌شود، نیازی به ارزیابی خسارات جانبی ایجاد نمی‌کند. دیدگاه مخالف، انجام ارزیابی را در صورت حضور مسافران در کشتی هدف، الزامی می‌داند» (بخش ۸، ۸، ۱). اگرچه دیدگاه نخست، رویکرد سنتی مبتنی بر نوع شناور^{۸۹} در حقوق جنگ‌های دریایی است، اما به اعتقاد ما دیدگاه دوم در جنگ‌های امروزی قابل‌دفاع‌تر است. در واقع، «دستورالعمل حقوق جنگ وزارت دفاع»^{۹۰} [آمریکا] نیز همین رویکرد را در مورد کشتی‌های مسافری غیرنظامی اتخاذ کرده است (بخش ۱، ۲، ۵، ۱۳).

سؤال ۱۴: آیا می‌توان نفت‌کش‌های حامل نفت صادراتی را با این استدلال که اهداف نظامی «پشتیان جنگ»^{۹۱} هستند، مورد حمله قرار داد؟

^{۸۸} <https://digital-commons.usnwc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=3047&context=ils>

^{۸۹} Platform-based

^{۹۰} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۹۱} war- sustaining

این موضوع محل اختلاف است. در خصوص اینکه آیا می‌توان اهدافی را که از نظر اقتصادی به تلاش‌های جنگی یک دولت تداوم می‌بخشند — مانند نفت کش‌های حامل نفت صادراتی — هدف قرار داد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (به سؤال ۹ مراجعه کنید). برخی دولت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده، تفسیری موسع اتخاذ کرده‌اند که بر اساس آن، اهداف «پشتیبان جنگ» می‌توانند در زمره اهداف نظامی محسوب شوند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع،^{۱۱۲} بخش ۵،۶،۲). دیدگاه مخالف بر این باور است که حقوق مخاصمات مسلحانه مستلزم وجود ارتباطی مستقیم‌تر با اقدامات نظامی است. بر اساس این رویکرد (که مایک و تس^{۱۱۳} نیز با آن موافق‌اند)، نفت کش‌ها صرفاً به این دلیل که برای نیروهای نظامی دشمن درآمد ایجاد می‌کنند، قابل هدف‌گیری نیستند؛ بلکه تنها در صورتی به اهداف مشروع تبدیل می‌شوند که مشارکت مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند، مانند تأمین مستقیم سوخت برای نیروهای دشمن. در غیاب چنین ارتباطی، آن‌ها همچنان به عنوان «اهداف غیرنظامی» (یا اموال غیرنظامی) تلقی شده و بر اساس این دیدگاه، مشمول حمله نمی‌شوند.

سؤال ۱۵. آیا حرکت در قالب کاروان (اسکورت گروهی) بر وضعیت هدف‌گیری کشتی‌های جنگی یا کشتی‌های تجاری بی‌طرف تأثیر می‌گذارد؟

بله، «حرکت در قالب کاروان» می‌تواند وضعیت حقوقی کشتی‌ها را طبق حقوق جنگ دریایی به‌طور قابل توجهی تغییر دهد. اگر کشتی‌های جنگی بی‌طرف، کشتی‌های تجاری بی‌طرف را اسکورت کنند، کشتی‌های حاضر در کاروان وضعیت بی‌طرفی خود را حفظ کرده و از مصونیت در برابر بازرسی و تفتیش برخوردار می‌شوند؛ مشروط بر اینکه فرمانده اسکورت‌کننده، ماهیت بی‌طرف و نوع محموله کشتی‌ها را تأیید کند (سند M1-14 NWP، بخش ۷،۶).

زمانی که کاروان با یکی از طرفین مخاصمه مرتبط شود، وضعیت تغییر می‌کند، زیرا کشتی‌های جنگی اسکورت‌کننده ماهیت کاروان را تعیین می‌کنند. بنابراین، در مواردی که کشتی‌های تجاری بی‌طرف توسط کشتی‌های جنگی طرف مخاصمه (مثلاً ایالات متحده) اسکورت می‌شوند، ممکن است بخشی از کاروان طرف مخاصمه تلقی شده و به عنوان اهداف نظامی، در معرض حمله قرار گیرند (سند M1-14 NWP، بخش ۸،۶،۲). این امر با قاعده کلی‌تری همسو است که بر اساس آن، کشتی‌های تجاری در صورتی که در عملیات نظامی دشمن ادغام شده یا مستقیماً از آن پشتیبانی

^{۱۱۲} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-۱/-۱/۰/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-۲۰۱۵-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۱۳} Mike and Tess

^{۱۱۴} . عنوان کامل سند مورد اشاره که توسط مرکز فرماندهی و آموزش نیروی دریایی ایالات متحده ذیل قانون عملیات دریایی منتشر شده، بشرح

زیر است (توضیح افزوده بر متن):

کنند، ممکن است مورد حمله قرار گیرند. همین منطق در صورتی که کشتی‌های جنگی بی‌طرف در نقش اسکورتِ هماهنگ شده در کنار کشتی‌های جنگی طرفِ مخاصمه عمل کنند و بدین ترتیب خود را با تلاش نظامی یکی از طرفین همسو سازند نیز صدق می‌کند؛ در این حالت، هم کشتی‌های جنگی بی‌طرف و هم کشتی‌های تجاری بی‌طرف تحت اسکورت، به عنوان اهداف نظامی مشمول حمله خواهند بود. در نهایت، در مواردی که کشتی‌های جنگی بی‌طرف، کشتی‌های تجاری متخاصم را اسکورت می‌کنند یا به هر نحو دیگری در حقوق قانونی متخاصم - مانند مقاومت در برابر بازرسی و تفتیش - اختلال ایجاد می‌کنند، خطر گذار از بی‌طرفی به مشارکت در مخاصمات را به جان می‌خرند. در چنین شرایطی، کشتی‌های جنگی بی‌طرف ممکن است وضعیت حفاظت شده خود را از دست بدهند (سند M1-14NWP، بخش ۵، ۷، ۶، ۷)، و هم کشتی‌های اسکورت و هم کشتی‌های اسکورت شده ممکن است به عنوان اهداف نظامی تلقی شوند. به طور خلاصه، در حالی که کاروانرانی بی‌طرف به معنای محدودی به رسمیت شناخته می‌شود، حرکت کاروانی با یا در حمایت از یک متخاصم می‌تواند وضعیت قانونی کشتی‌ها را تغییر دهد و آنها را در معرض حمله طبق حقوق جنگ دریایی قرار دهد.

بخش پنجم: تسلیحات

سؤال ۱۶. آیا استفاده از مهمات خوشه‌ای، از جمله در مناطق مسکونی، قانونی است؟

کنوانسیون سال ۲۰۰۸ در مورد مهمات خوشه‌ای،^{۱۵} استفاده، انباشت و انتقال این گونه تسلیحات را ممنوع می‌کند؛ اما کشورهای کلیدی درگیر در این مناقشه، از جمله ایران، ایالات متحده و اسرائیل، عضو این کنوانسیون نیستند و ملزم به رعایت مفاد آن نمی‌باشند. ایالات متحده این موضع را اتخاذ کرده است که این کنوانسیون بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی نیست و ممنوعیت عامی را برای مهمات خوشه‌ای ایجاد نمی‌کند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا؛^{۱۶} بخش ۴، ۱۳، ۶)؛ موضعی که مورد تأیید اسرائیل و ایران نیز هست.

با این اوصاف، پرسش در این مخاصمه آن است که آیا استفاده از آنها در شرایطی خاص، با قواعد کلی حاکم بر نحوه انجام عملیات نظامی (هدایت خصومت‌ها) سازگار است یا خیر. این قواعد شامل اصول تفکیک (به داده‌های

^{۱۵} The 2008 Convention on Cluster Munitions.

<https://www.icrc.org/en/document/2008-convention-cluster-munitions>

^{۱۶} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

صلیب سرخ^{۱۷} و همچنین مورد دیگر همین منبع مراجعه شود^{۱۸} - از جمله ممنوعیت حملات کورکورانه (بدون تمایز)^{۱۹} اصل تناسب،^{۲۰} و الزام به اتخاذ تدابیر احتیاطی در جریان حمله^{۲۱} برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی است (سؤال ۱۸؛ راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع آمریکا،^{۲۲} بخش‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۱ و ۱۲، ۵).

توجیه بیشتر موارد استفاده از مهمات خوشه‌ای بر اساس این قواعد بسیار دشوار است، زیرا این تسلیحات ریزمهمات (بمب‌چه‌های) خود را در منطقه‌ای وسیع پخش می‌کنند و ممکن است منجر به باقی ماندن مهمات منفجر نشده‌ای شوند که تا سال‌ها پس از حمله برای غیرنظامیان خطر آفرین باشند. در نتیجه، استفاده از آن‌ها در مناطق شهری پرتراکم، تقریباً همواره مصداق حمله کورکورانه خواهد بود یا موجب آسیب جانبی نامتناسب به اهداف غیرنظامی و یا صدمات ناخواسته به غیرنظامیان می‌شود. برای نمونه، ایالات متحده از اوکراین تضمین‌هایی^{۲۳} دریافت کرد مبنی بر اینکه از مهمات خوشه‌ای ارائه شده توسط آمریکا در محیط‌های شهری دارای جمعیت غیرنظامی استفاده نخواهد کرد. (در واقع، استفاده از سایر انواع سلاح‌های انفجاری در مناطق پرتراکم نیز نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند و ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ از بیانیه‌ای با عنوان «تقویت حفاظت از غیرنظامیان در برابر پیامدهای بشردوستانه ناشی از استفاده از سلاح‌های انفجاری در مناطق مسکونی» حمایت کرد).^{۲۴}

در بسیاری از موارد، استفاده از تسلیحاتی غیر از مهمات خوشه‌ای، ضمن دستیابی به مزیت نظامی مشابه، خطر کمتری برای غیرنظامیان به همراه خواهد داشت. اگر در شرایط موجود، استفاده از تسلیحات دیگر امکان‌پذیر باشد، استفاده از مهمات خوشه‌ای غیرقانونی تلقی خواهد شد. بر این اساس، در بسیاری از موقعیت‌های عملیاتی، به کارگیری قانونی این تسلیحات بسیار دشوار خواهد بود. به همین دلیل، وزارت دفاع محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای را بر استفاده از آن‌ها اعمال کرده است (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع،^{۲۵} [آمریکا] بخش ۳، ۱۳، ۶).

^{۱۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule1>

^{۱۸} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule1>

^{۱۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule11>

^{۲۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۲۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۲۲} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۲۳} <https://www.war.gov/News/Transcripts/Transcript/Article/3452000/under-secretary-of-defense-for-policy-dr-colin-kahl-holds-press-briefing/>

^{۲۴} <https://geneva.usmission.gov/2022/06/21/protecting-civilians-in-urban-warfare/>

^{۲۵} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

سؤال ۱۷. آیا استفاده از مین‌های دریایی قانونی است؟

استفاده از مین‌های دریایی ذاتاً ممنوع نیست، اما تابع مقررات حقوق عرفی جنگ دریایی و معاهدات بین‌المللی است؛ به‌ویژه «کنوانسیون هشتم لاهه (۱۹۰۷)»^{۲۶} در مورد مین‌های تماسی زیردریایی خودکار» که عموماً بازتاب‌دهنده حقوق عرفی لازم‌الاجرا برای تمامی دولت‌ها تلقی می‌شود. این قواعد محدودیت‌های عملیاتی خاصی را اعمال می‌کنند که هدف آن‌ها محدود کردن اثرات احتمالی و بی‌تبعیض/تمایز (کور) مین‌هاست.

برای مثال، کارگذاری مین‌های بدون مهار (شناور/رها) ممنوع است، مگر آنکه این مین‌ها به گونه‌ای طراحی شده باشند که پس از قطع کنترل بر آن‌ها، ظرف مدت کوتاهی بی‌خطر شوند. همچنین مین‌های مهارشده (ثابت) باید در صورت جدا شدن از محل مهار خود، به‌طور خودکار بی‌خطر گردند. در سطحی وسیع‌تر، طرف‌های متخاصم مین‌گذار ملزم به رعایت ایمنی کشتیرانی تجاری هستند و باید در صورت امکان، موقعیت میدین مین را اعلام کرده و پس از پایان خصومت‌ها، آن‌ها را جمع‌آوری یا خنثی (بی‌خطر) کنند. این الزامات فنی در کنار قواعد کلی حقوق مخاصمات مسلحانه در خصوص تفکیک، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله قرار دارند. در آبراه‌های پرتراфик و شلوغی همچون تنگه هرمز، با توجه به افزایش خطرات برای کشتی‌های بی‌طرف و شناورهای غیرنظامی، رعایت این قواعد از حساسیت و دشواری ویژه‌ای برخوردار است.

اقدام گزارش‌شده ایران مبنی بر کارگذاری^{۲۷} مین‌های دریایی در تنگه هرمز - که عملاً منجر به توقف تردد در آبراهی باریک و پرتردد برای کشتی‌های بی‌طرف شده و بدون اطلاع‌رسانی لازم به شناورها صورت گرفته است - با الزامات مربوط به رعایت ایمنی کشتیرانی غیرنظامی و بی‌طرف، و همچنین با ممنوعیت کلی استفاده از روش‌های جنگی بی‌تبعیض/تمایز (کور) در چنین کریدور دریایی شلوغی، قابل‌جمع نیست. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که به گزارش‌های^{۲۸} مربوط به بیانیه «شورای دفاع ایران» توجه کنیم؛ بیانیه‌ای که در آن تهدید شده است مسیرهای خلیج [فارس] از طریق کارگذاری «مین‌های دریایی، از جمله مین‌های شناور» مسدود خواهد شد. این تهدید مستقیماً

^{۲۶} https://avalon.law.yale.edu/19th_century/hague08.asp

^{۲۷} <https://www.reuters.com/business/energy/iran-has-laid-about-dozen-mines-strait-hormuz-sources-say-2026-03-11/>

^{۲۸} <https://www.reuters.com/world/middle-east/iran-says-coastal-attack-will-lead-full-gulf-closure-mine-laying-2026-03-23/>

با قاعده منع استفاده از مین‌های رها (شناور) - مگر در مواردی که طراحی آن‌ها تضمین‌کننده بی‌خطر شدنشان پس از قطع کنترل باشد - در تضاد است.^{۱۲۹}

بخش ششم: فرآیندها و محدودیت‌های هدف‌گیری

سؤال ۱۸. آیا قواعد دیگری وجود دارد که از غیرنظامیان و اعیان/اشیاء غیرنظامی در برابر آسیب‌دیدگی حین حمله محافظت کند؟

بله. یکی از اهداف اصلی معاهده مورد اشاره و قواعد عرفی حقوق درگیری‌های مسلحانه که بر «نحوه انجام خصومت‌ها» حاکم است، مصون نگه داشتن جمعیت غیرنظامی از پیامدهای جنگ است (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]،^{۱۳۰} بخش ۵، ۲). یکی از تدابیر حفاظتی کلیدی، فراتر از ممنوعیت حمله مستقیم به غیرنظامیان و اعیان غیرنظامی، «اصل تناسب»^{۱۳۱} است (به سؤال ۹ مراجعه کنید)؛ این اصل حملاتی را ممنوع می‌کند که در آن‌ها، تلفات جانی یا جراحات احتمالی و ناخواسته (جانبی) به غیرنظامیان یا خسارات وارده به اعیان غیرنظامی، در مقایسه با مزیت نظامی ملموس و مستقیمی که از حمله انتظار می‌رود، بیش از حد (نامتناسب) باشد (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]،^{۱۳۲} بخش ۵، ۱۲؛ پروتکل الحاقی اول [کنوانسیون‌های ژنو]،^{۱۳۳} مواد ۵۱ و ۵۷).

همان‌طور که در راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]^{۱۳۴} ذکر شده است، «تعیین اینکه آیا آسیب جانبی مورد انتظار بیش از حد است یا خیر، لزوماً با تحلیل کمی قابل سنجش نیست، زیرا مقایسه اغلب میان کمیّت‌ها و ارزش‌های ناهمگون صورت می‌گیرد» (بخش ۴، ۲۳). در عوض، این امر مستلزم قضاوتی مبتنی بر حسن نیت و شدیداً وابسته به

^{۱۲۹}. برابر آنچه در منابع معتبر بازتاب یافته، هیچگاه ایران اعلام نکرده که مین‌گذاری - به ویژه در شکل ممنوعه آن که به صورت شناور و کور باشد - در تنگه هرمز انجام پذیرفته است چرا که این کار با توجه به جابجایی بدون برنامه ریزی مین‌ها حتی می‌تواند به ضرر شناورهای کشور خودمان حادثه بیافریند. در نقطه مقابل، این منابع مربوط به آمریکا بوده‌اند که در مقطعی ادعا کرده که مین‌گذاری در تنگه هرمز صورت گرفته و در مقطعی دیگر گفته‌اند که برابر جستجوی آنها هیچ مینی در تنگه هرمز کشف نشده است. این مواضع در رسانه‌های خود آمریکا مکرر نشر یافته است. اینکه به صورت هوشمند و قابل تفکیک بین اهداف، چگونه نظارت‌های فنی در تنگه هرمز از سوی نیروهای مسلح ایران انجام می‌شود جلوه‌ای از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ملی و مشروع ایران است. (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۳۰} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۳۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule14>

^{۱۳۲} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۳۳} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977>

^{۱۳۴} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

شرایط و بافتار عملیات است که پیش از حمله انجام می‌شود تا مشخص گردد آیا آسیب وارده به غیرنظامیان «بیش از حد» خواهد بود یا خیر. برای مثال، کشتن یک هدف بسیار مهم^{۱۳۵} مانند یک فرمانده ارشد نظامی، ممکن است در مقایسه با کشتن یک جنگجوی رده پایین، سطح بالاتری از آسیب یا مرگ جانبی غیرنظامیان یا خسارت به اموال غیرنظامی را توجیه‌پذیر سازد. به علاوه، این ارزیابی توسط کسانی انجام می‌شود که حمله را طرح‌ریزی، تصویب و اجرا می‌کنند و مبتنی بر اطلاعاتی است که در آن زمان به طور معقول در دسترس آن‌ها قرار دارد.

نکته مهم اینکه، مسئله تعیین مصادیق «آسیب جانبی» که باید در ارزیابی تناسب لحاظ شوند، تا حدی محل اختلاف نظر است. با این حال، مرگ یا جراحت جانبی غیرنظامیان و خسارت به اعیان/ اشیاء غیرنظامی قطعاً باید در تحلیل گنجانده شود. پیامدهای احتمالی و حدسی (گمانه‌زنی) که به طور معقول قابل پیش‌بینی نیستند، نیازی به لحاظ شدن ندارند. به همین ترتیب، «صرف ایجاد زحمت یا اختلالات موقت در زندگی غیرنظامیان» نیز نیازی به محاسبه در ارزیابی تناسب ندارد (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]، بخش ۵، ۱۲، ۱، ۲). با این وجود، پیامدهایی که به طور معقول قابل پیش‌بینی^{۱۳۷} هستند و حدسی و گمانه‌زنی محسوب نمی‌شوند؛ باید در تحلیل تناسب سنجیده شوند و فرمانده موظف است آن‌ها را در تحلیل تناسب لحاظ کند، حتی اگر ماهیت «غیرمستقیم»^{۱۳۸} داشته باشند.

موضوعی که ارتباط نزدیکی با این بحث دارد، تعهد به اتخاذ تدابیر احتیاطی هنگام حمله^{۱۳۹} است؛ امری که از منظر عملیاتی، محدودیتی عملی و قابل توجه برای عملیات‌های نظامی محسوب می‌شود. مهاجمان باید تمام اقدامات ممکن را برای اطمینان از اینکه اهداف، اهداف نظامی مشروع هستند، به کار گیرند^{۱۴۰} و گزینه‌های جایگزین عملی - از جمله تغییر هدف^{۱۴۱}، زمان‌بندی^{۱۴۲}، تاکتیک^{۱۴۳} یا نوع سلاح^{۱۴۴} را که ضمن دستیابی به مزیت نظامی مطلوب، خطر آسیب به غیرنظامیان را کاهش می‌دهند، مد نظر قرار دهند (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]، بخش ۵، ۱۱)؛

^{۱۳۵} High-value target

^{۱۳۶} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۱۳۷} <https://www.chathamhouse.org/2018/12/proportionality-conduct-hostilities-incident-harm-side-assessment>

^{۱۳۸} <https://www.justsecurity.org/91319/the-principle-of-proportionality-in-the-dod-law-of-war-manual/>

^{۱۳۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۱۴۰} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule16>

^{۱۴۱} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule21>

^{۱۴۲} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule17>

^{۱۴۳} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule17>

^{۱۴۴} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule17>

^{۱۴۵} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۷).^{۴۶} به علاوه، اگر جمعیت غیرنظامی تحت تأثیر حمله قرار می گیرد، مهاجمان باید به طور مؤثر به آن ها هشدار دهند.^{۴۷} انجام این کار در شرایطی الزامی است که اوضاع اجازه دهد؛ برای مثال، زمانی که عنصر غافلگیری بخشی از حمله نباشد و هدف ثابت باشد (مانند یک ساختمان).

اگرچه ایالات متحده این پیش فرض را نمی پذیرد (راهنمای حقوق جنگ وزارت دفاع [آمریکا]، بخش ۵، ۳، ۲، ۵)، اما کمیته بین المللی صلیب سرخ^{۴۸} و برخی کارشناسان تأکید دارند که تعهدی مبتنی بر حقوق عرفی برای مهاجمان وجود دارد تا «مراقبت مستمر» را برای «در امان نگه داشتن» غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی اعمال کنند؛ تعهدی گسترده که آن ها را ملزم می سازد تأثیر عملیات خود بر جمعیت غیرنظامی را در نظر بگیرند. ما نیز با این دیدگاه موافقیم.

سؤال ۱۹: حملات چگونه برنامه ریزی و اهداف چگونه راستی آزمایی می شوند؟

ما نمی توانیم در مورد فرآیندهای خاص برنامه ریزی و راستی آزمایی به کاررفته در جنگ کنونی با ایران گمانه زنی کنیم، اما آنچه در ادامه می آید، مروری کلی بر نحوه عملکرد معمول این فرآیندهاست. فرآیند تعیین اهداف (به اسناد AJP ۳-۹ ناتو^{۴۹} و منبع دیگری که در ذیل معرفی شده^{۵۰} مراجعه کنید) با اهداف کلی کارزار و وضعیت نهایی مطلوب آغاز می شود؛ عواملی که انتخاب و اولویت بندی اهداف بالقوه را تعیین می کنند. سپس برنامه ریزان از طریق تحلیل دقیق محیط عملیاتی - از جمله توانمندی های دفاعی دشمن - به توسعه و شناسایی اهداف می پردازند. پس از آن، ارزیابی توانمندی های خود مهاجم صورت می گیرد که شامل ابزارها و روش های موجود برای حمله (اعم از مرگبار و غیرمرگبار) و همچنین اثرات مورد انتظار و آسیب احتمالی به غیرنظامیان است. اطلاعات حاصله، مبنای تصمیم گیری فرمانده برای تصویب یا عدم تصویب حمله قرار می گیرد و پس از آن، برنامه ریزی دقیق مأموریت^{۵۱} و اجرای آن انجام می شود. ارزیابی نتایج پس از حمله، اطلاعات لازم برای حملات بعدی را فراهم می آورد.

^{۴۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-57>

^{۴۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule20>

^{۴۸} <https://media.defense.gov/2023/Jul/31/2003271432/-1/-1/0/DOD-LAW-OF-WAR-MANUAL-JUNE-2015-UPDATED-JULY%202023.PDF>

^{۴۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule15>

^{۵۰} Allied Joint Publication (AJP) 3.9 – Joint Targeting .

https://assets.publishing.service.gov.uk/media/618e7da28fa8f5037ffaa03f/AJP-3.9_EDB_V1_E.pdf

^{۵۱} <https://academic.oup.com/book/7957/chapter/153276374>

^{۵۲} Detailed mission planning

راستی آزمایی هدف،^{۱۵۳} الزامی مستمر در سراسر این فرآیند است. در مرحله توسعه اهداف، اهداف پیشنهادی - از جمله از طریق بررسی های حقوقی - مورد ارزیابی و تأیید قرار می گیرند تا مشخص شود آیا واجد شرایط لازم برای محسوب شدن به عنوان هدف نظامی مشروع هستند و آیا درگیری با آنها با موازین حاکم و قواعد درگیری^{۱۵۴} مطابقت دارد یا خیر. البته صرف تأیید و اعتباربخشی به هدف، به معنای مجوز حمله نیست؛ بلکه این امر بیانگر تصمیمی است مبنی بر اینکه، بر اساس اطلاعات موجود، هدف را می توان به طور قانونی مورد حمله قرار داد.

تعهد به راستی آزمایی / تأیید در طول اجرا ادامه می یابد و نیروها را ملزم می کند تا هر کاری که می توانند برای تأیید وضعیت هدف انجام دهند، از جمله دستیابی به شناسایی با استاندارد مناسب قبل از درگیری.

هدف گیری عمدی (برنامه ریزی شده)^{۱۵۵} و هدف گیری پویا^{۱۵۶} باید از هم متمایز شوند. هدف گیری عمدی به اهداف شناخته شده می پردازد و معمولاً ساعت ها یا روزها قبل از درگیری رخ می دهد و امکان جمع آوری گسترده اطلاعات، بررسی قانونی و تجزیه و تحلیل قابلیت ها را فراهم می کند. در مقابل، هدف گیری پویا شامل اهداف [مبتنی بر] فرصت یا تهدیدهای نوظهور است که باید در بازه های زمانی بسیار کوتاه تر، اغلب در شرایط عملیاتی به سرعت در حال تحول، با آنها درگیر شد. اگرچه بازه زمانی فشرده است، اما استانداردهای قانونی یکسانی اعمال می شود.

راستی آزمایی / تأیید در هر دو هدف گیری عمدی و پویا به طیف وسیعی از سیستم ها و روش هایی متکی است که برای کاهش عدم قطعیت طراحی شده اند. دارایی های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی (ISR)^{۱۵۸} مانند ماهواره ها، سیستم های هوایی بدون سرنشین، اطلاعات سیگنالی و منابع انسانی - برای شناسایی و نظارت بر اهداف از طریق مراحل "یافتن، رفع، ردیابی، هدف گیری، درگیری و ارزیابی" عملیات استفاده می شوند. تحلیلگران ممکن است از اطلاعات منبع باز^{۱۵۹} در کنار تکنیک هایی مانند تحلیل الگوی زندگی، موقعیت جغرافیایی و تأیید چند منبعی برای دستیابی به استانداردهای شناسایی استفاده کنند. در طول اجرا، اپراتورها آگاهی موقعیتی را - اغلب از طریق فیدها / ابزارهای حسگر در زمان واقعی - حفظ می کنند تا تأیید کنند که هدف همچنان قانونی است و شرایط تغییر نکرده است. حتی

^{۱۵۳} Target verification

^{۱۵۴} Rules of Engagement (ROE)

^{۱۵۵} The obligation to verify

^{۱۵۶} Deliberate (planned) targeting

^{۱۵۷} Dynamic targeting

^{۱۵۸} Intelligence, surveillance, and reconnaissance (ISR) assets

^{۱۵۹} Open source

در هدف‌گیری پویا، که در آن تصمیمات باید به سرعت گرفته شوند، این سیستم‌ها از ارزیابی قانونی مداوم پشتیبانی می‌کنند.

س ۲۰: چگونه به نیروهایی که حملات را انجام می‌دهند، راهنمایی ارائه می‌شود؟

راهنمایی به نیروهایی که حملات را انجام می‌دهند، از طریق یک سیستم لایه بندی شده^{۱۶۰} از دستورالعمل‌های فرماندهی ارائه می‌شود که تعهدات قانونی را به الزامات عملیاتی تبدیل می‌کند (در این خصوص مطالعه نوشتار چری، تینکلر، اشمیت^{۱۶۱} مفید است). در بالاترین سطح، نیت و راهنمایی عملیاتی فرمانده، نحوه استفاده از زور در عملیات را تعیین می‌کند، از جمله میزان خطری که برای غیرنظامیان پذیرفته می‌شود و اولویتی که برای به حداقل رساندن آسیب در نظر گرفته شده است (البته با این فرض که حداقل باید با تعهدات حقوق مخاصمات مسلحانه سازگار باشند).

این راهنمایی سپس از طریق ابزارهایی مانند قواعد حاکم بر درگیری، دستورات جزئی و دستورالعمل‌های تاکتیکی اجرا می‌شود که مشخص می‌کنند چه زمانی، کجا و چگونه می‌توان از زور استفاده کرد (به JP ۵-۰،^{۱۶۲} برنامه‌ریزی مشترک مراجعه کنید). به طور خاص، قواعد حاکم بر درگیری اغلب الزامات قانونی و محدودیت‌های سیاستی را در بر می‌گیرد و ممکن است محدودکننده‌تر از حقوق مخاصمات مسلحانه باشد - به عنوان مثال، با محدود کردن دسته‌های اهدافی که ممکن است مورد حمله قرار گیرند، الزام سطوح بالاتر تأیید برای حملات خاص، یا محدود کردن استفاده از سیستم‌های تسلیحاتی خاص در مناطق پرجمعیت (کتابچه راهنمای قانون عملیاتی ارتش [آمریکا]^{۱۶۳} فصل ۵ در این خصوص قابل مطالعه است).

در سطحی دقیق‌تر، ابزارها و فرآیندهای خاص هدف‌گیری، این راهنما را عملیاتی می‌کنند. ارتش‌ها از فهرست‌های [موارد مشمول] عدم حمله (NSL)^{۱۶۴} برای شناسایی افراد و اشیاء محافظت‌شده - مانند مراکز درمانی، مدارس و اموال فرهنگی - که به طور فرضی خارج از محدوده [فهرست حملات] هستند، مگر در شرایط استثنایی، استفاده می‌کنند. آنها همچنین از فهرست‌های هدف محدود شده (RTL)^{۱۶۵} برای شناسایی اهداف نظامی قانونی که به دلیل خطر آسیب

^{۱۶۰} layered system

^{۱۶۱} <https://www.justsecurity.org/74619/avoiding-collateral-damage-on-the-battlefield/>

^{۱۶۲} <https://www.airforcespecialtactics.af.mil/Portals/80/prototype/assets/joint-pub-jpub-5-0-joint-planning.pdf>

^{۱۶۳} [https://tjaglcs.army.mil/Portals/0/Publications/Deskbooks%20and%20Handbooks/2024%20Operational%20Law%20Handbook%20\(2024\).pdf?ver=VgRjo4_3XCiOOJThdhEZUQ%3d%3d](https://tjaglcs.army.mil/Portals/0/Publications/Deskbooks%20and%20Handbooks/2024%20Operational%20Law%20Handbook%20(2024).pdf?ver=VgRjo4_3XCiOOJThdhEZUQ%3d%3d)

^{۱۶۴} No-strike lists (NSL)

^{۱۶۵} Restricted target lists (RTLs)

قابل توجه به غیرنظامیان یا پیامدهای راهبردی، نیاز به بررسی دقیق تر یا تأیید سطح بالاتر قبل از درگیری دارند، استفاده می کنند. این فهرست ها در کنار الزامات شناسایی و تخمین خسارات جانبی، در فرآیند هدف گیری ادغام می شوند و تضمین می کنند که افراد مسئول برنامه ریزی و اجرای حملات، هم وضعیت هدف و هم اثرات مورد انتظار حمله را ارزیابی می کنند. این سازوکارها در کنار هم، تصمیم گیری های عملیاتی را به گونه ای هدایت می کنند که به اصول تمایز، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله، تأثیر ملموسی ببخشد.^{۱۶۶}



^{۱۶۶}. این توضیحات شاید از حیث تئوری و نظر جذاب باشد و مخاطب را به این برداشت رهنمون سازد که عجب نظام چند لایه ای در نیروهای مسلح آمریکا یا اروپا وجود دارد که هدف گیری ها دقیق و درست انجام شود و نقض موازین مخاصمات به صورت تعمدی صورت نپذیرد، اما واقعیات جنگ علیه ایران نشان داد که هیچیک از این مطالب جذاب مورد توجه متجاوزان نبود. با بمباران مدرسه شجره میناب و پر پر کردن ۱۶۸ کودک و معلمانشان و نوجوانان ورزشکار در ورزشگاه لامرد آغاز کردند و بعد با تخریب مدارس دیگر استان ها، بیمارستان ها، اماکن حفاظت شده میراث فرهنگی، ورزشگاه ها، نیروگاه ها و صدها هدف غیر نظامی دیگر نشان دادند که همه این حرف ها شاید روی کاغذ وجود داشته باشند ولی در عمل هیچ وجود خارجی ندارند و بلکه کاملاً بر خلاف اینها عمل می شود. رئیس جمهور جنایتکار آمریکا و فرمانده کل قوای این کشور نیز خود هر چند روز تهدید به بمباران زیر ساخت های ایران یا از بین بردن تمدن ایران یا بازگرداندن به عصر حجر داشت که به خوبی نشان داد هیچ قاعده حقوقی برای این جنایتکار و نیروهای تابعه وی معنا ندارد و براحتی مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت می شوند چنانچه همدست آنها در تجاوز به ایران یعنی نتانیاهو مدتهاست مرتکب نسل کشی در غزه می شود. (توضیح افزوده بر متن)